

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۲/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۲/۱۹

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود

سال دهم، شماره ۳۸، تابستان ۱۳۹۵

ارتباط آموزه‌های رستاخیز، رجعت و ملکوت الله با آخرالزمان در عهد جدید با تکیه بر کارکردها و آسیب‌ها

زهرا قاسم‌نژاد^۱

چکیده

رستاخیز، رجعت، و ملکوت خدا از آموزه‌های اساسی عهد جدید است که دین مسیحیت براساس آن بنا شده است. کلیدی بودن این واژگان به مسأله انتظار برمی‌گردد که هسته اولیه اجتماع مسیحیت را شکل داد و با پایان حیات زمینی عیسی این انتظار به صورت رجعت عیسی برای برقراری ملکوت الله صورت جدیدی به خود گرفت. حال دینی که براساس انتظار تاریخی و اشتیاق پیروان آن برای ظهور منجی شکل گرفته است، موعود باوری و انتظار می‌تواند دارای کارکردهای متعددی در اجتماع مؤمنان به آن باشد. بنابراین پژوهش حاضر با روش توصیف و تحلیل محتوا، ارتباط آموزه‌های رستاخیز، رجعت و ملکوت خدا را با آخرالزمان بررسی و کارکرد آن را در باورمندان به آیین مسیحیت همراه با ذکر آسیب‌های این اعتقاد مورد تحلیل قرار می‌دهد. یافته‌های حاصل از پژوهش نشان می‌دهد، آخرالزمان مسیحیت را باور به رستاخیز، رجعت و ملکوت خدا شکل می‌دهد. باور به این آموزه‌ها کارخانه انسان‌سازی است که برای فرد شادی، امید به آینده، صبر و تحمل و اخلاق نیکو را به ارمغان می‌آورد و در بعد اجتماعی همه مؤمنان به مسیح را با هر ملیت و نژادی یکسان دانسته؛ زیرا آن چه معیار است ایمان به شخص

۱. استادیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه شیراز (z_ghasemi62@yahoo.com).

عیسی مسیح است که همه مؤمنان به مسیح از این حیث یکسانند. البته این کارکردها آسیب‌هایی چون انحصارگرایی، ایمان‌گرایی و افول جامعه مسیحیت را نیز به دنبال خواهد داشت.

واژگان کلیدی

آسیب‌ها، آخرالزمان، رجعت، رستاخیز، عهد جدید، کارکرد، مسیحیت، ملکوت الله.

مقدمه

ادیان آسمانی هدف و دغدغه اصلی خود را نجات و سعادت جاودان انسان‌ها می‌دانند. در این میان مسیحیت تأکید فراوانی بر نجات بشریت دارد و این نجات پروسه‌ای است که باید به صورت تدریج به وقوع پیوندند؛ از این رو عیسی با تعالیم و معجزات خود و ارائه یک زندگی نمونه و نیز با به صلیب رفتن این فرآیند تدریجی را آغاز و با رستاخیز، صعود به آسمان، تأسیس کلیسای مسیحی و فرستادن روح القدس برای بعد از خود، مسأله نجات بشریت را پررنگ‌تر نمود. و مؤمنان به مسیح به امید برقراری ملکوت الله توسط عیسی علیه السلام امید نجات را روز به روز در خود زنده می‌دارند؛ بنابراین آموزه‌های رستاخیز، رجعت و ملکوت خدا مهم‌ترین آموزه‌های عیسی مسیح علیه السلام است که اساس و بنیان مسیحیت و انتظارات آنان را شکل می‌دهد. از سویی این آموزه‌ها در تعالیم عیسی از برخی جهات با آخرالزمان در ارتباط است و درک صحیح آخرالزمان و ظهور عیسی علیه السلام به عنوان منجی بشریت بدون تحلیل این سه آموزه ممکن نمی‌باشد. تحلیل ارتباط رستاخیز، رجعت، و ملکوت الله با آخرالزمان می‌تواند کارکردهای عملی این مسأله را در اجتماع مؤمنان به مسیحیت به خوبی نشان دهد. پژوهش حاضر از این حیث که به جنبه کاربردی بودن مسأله انتظار و موعودباوری توجه دارد؛ در صدد پاسخ‌گویی به سه سؤال اساسی است:

۱. آیا در دین مسیحیت رستاخیز، رجعت و ملکوت خدا با آخرالزمان ارتباط دارد؟
۲. ارتباط این آموزه‌ها با آخرالزمان چه کارکردی در اجتماع باورمندان به مسیحیت دارد؟
۳. کارکردهایی که این سه آموزه در شکل‌دهی به آخرالزمان دارد، دارای چه آسیب‌هایی است؟

به منظور پاسخ‌گویی به پرسش‌های فوق با روش توصیفی - تحلیلی مسأله رستاخیز، رجعت و ملکوت خدا در آیین مسیحیت به طور مختصر بررسی، سپس ارتباط این سه مسأله با آخرالزمان و ظهور عیسی علیه السلام تحلیل و در پایان کارکردهای مهم این ارتباط با آخرالزمان در

اجتماع مؤمنان به مسیحیت تبیین و بررسی می‌گردد. همچنین اعتقاد به این آموزه‌ها آسیب‌هایی نیز دارد که این آسیب‌ها بیان می‌شود.

البته در زمان معاصر اندیشمندان و دین پژوهان مسلمان موضوع رستاخیز، رجعت و ملکوت در عهدین را بسیار مورد مطالعه قرار داده‌اند، هر چند که هر یک از این اندیشمندان رویکردی خاص به مسیحیت دارند؛ اما در بیشتر آثار این نویسندگان معاصر، اندیشه اسلامی آن‌ها بر حقیقت سایه افکنده است، و بیش از آن‌که فهم این آموزه‌ها را از زبان عیسی علیه السلام و اناجیل بیان کنند، از دیدگاه اسلامی خود بیان کرده‌اند. به عنوان نمونه برخی از این نویسندگان در مورد ملکوت در اناجیل می‌گویند: ملکوت، دین خداست که از امت یهود جدا شده و به امت عرب عطا می‌شود؛ و امت اسلام را وارث ملکوت می‌دانند و بشارت عیسی علیه السلام به ملکوت را، ظهور پیامبر اعظم اسلام صلی الله علیه و آله می‌دانند (رک: محمد یاسین، بی تا، ۸۹؛ عامری، ۲۰۰۷، ۱۴۹). در حالی که هیچ یک از مفسران کتاب مقدس، این موضوع را قبول ندارند و ملکوت در نزد آن‌ها دارای معنا و مفهوم خاصی است که از عیسی مسیح علیه السلام جداشدنی می‌باشد.

اما نوشتار حاضر بدون توجه به اعتقادات اسلامی و تفاسیر اندیشمندان مسلمان از کتاب مقدس با رویکرد درون دینی به اناجیل تنها آن‌چه از زبان عیسی مسیح علیه السلام در اناجیل آمده است را مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد تا با توجه به کارکردی که این آموزه‌ها در دین مقدس مسیحیت دارد بتوان با بهره‌گیری از این احساس و نقاط مشترک موعودباوری زمینه تعاملات و گفتگوهای بین ادیان را فراهم آورد. البته تنها در بحث آسیب‌شناسی اعتقاد به این آموزه‌ها، آیاتی از قرآن کریم بیان می‌شود.

روش تحقیق

در پژوهش حاضر جهت انجام قسمت‌های مختلف تحقیق و در عین حال در راستای نیل به هدف مورد نظر از سه روش توصیفی، تحلیل محتوا و گاه تطبیقی استفاده شده و با یک رویکرد درون دینی چپستی مفهوم رستاخیز، رجعت و ملکوت توصیف شده است. آن‌گاه با بیان روش تحلیل محتوا، ارتباط این آموزه‌ها با آخرالزمان و موعودباوری بررسی گردیده است. از آنجا که بحث حاضر سعی دارد مسأله‌ای کاربردی را بیان دارد به بیان کارکرد این آموزه‌ها پرداخته است و در تحلیل کارکردها به برخی از آسیب‌ها نیز دست یافته است.

پیشینه پژوهش

مطالعه تحقیقات و پژوهش‌ها در حوزه ادیان نشان می‌دهد هر یک از موضوعات رستاخیز،

رجعت و ملکوت خدا در دین مسیحیت توسط اندیشمندان و متفکران دین‌شناس مورد تحقیق واقع شده است. مانند: کتاب ملکوت الله عند المسيح از جمال شرفاوی؛ و مقالاتی چون مفهوم ملکوت خدا در عهدین و قرآن کریم از اعظم پرچم و زهرا قاسم نژاد؛ پیشگویی رجعت در آخرالزمان در تورات، انجیل و قرآن از رضا برنجکار و محمد مقداد امیری؛ تصویر انتظار در عهد جدید از مهراب صادق نیا؛ مبانی آموزه بازگشت مسیح در کتاب مقدس از جواد قاسمی قمی و...

اما در هیچ یک از این پژوهش‌ها ارتباط این آموزه‌ها با آخرالزمان و کارکرد آن‌ها در اجتماع مؤمنان به مسیح بررسی نشده است. نوشتار حاضر به منظور بیان کارکردها و آسیب‌های اعتقاد به این آموزه‌ها تنها به متن مقدس اناجیل تکیه نموده و از هرگونه پیش‌داوری یا تفسیر بر اساس آموزه‌های اسلامی خودداری شده است.

رستاخیز در عهد جدید

رستاخیز در عهد جدید از آموزه‌های مهم مسیحیت است که سنگ بنای اعتقاد به رجعت عیسی و حکومت زمینی او را در آخرالزمان شکل خواهد داد. رستاخیز در دوره‌های مختلف به گونه‌ای متفاوت جلوه می‌نماید. اولین رستاخیز که مربوط به خود عیسی علیه السلام است مربوط به سه روز پس از به صلیب کشیدن حضرت است. به روایت مسیحیان، پس از شام آخر، عیسی مسیح علیه السلام دستگیر و محاکمه و محکوم به مرگ شد. جسم عیسی به صلیب کشیده شد و پس از تحمل رنج فراوان، جان سپرد. کسانی که برای تماشا آمده بودند، وقتی جان سپردن عیسی علیه السلام را دیدند، با غم و اندوه به خانه برگشتند و یهودی‌خداشناسی به نام یوسف با اجازه حاکم شهر، جنازه‌ی عیسی علیه السلام را از بالای صلیب پایین آورد و آن را در کفن پیچید و در قبری گذاشت که در دامنه‌ی یک تپه قرار داشت و تمام کار کفن و دفن روز جمعه انجام شد و زنانی که از جلیل آمده بودند نیز دنبال جنازه رفتند و جای قبر و در خاک نهادن عیسی علیه السلام را دیدند. صبح روز سوم پس از مصلوب شدن، زن‌ها بر سر قبر آمدند و وقتی به قبر نزدیک شدند دیدند سنگ روی آن به کناری غلطیده است و جنازه‌ی عیسی علیه السلام در آنجا نیست. آن بانوان، مبهوت، در این فکر بودند که جنازه چه شده است، که دو مرد سفیدپوش ظاهر شده، به آنها گفتند: چرا در قبر به دنبال شخصی زنده میگردید؟ عیسی اینجاست، او زنده است. آیا به یاد ندارید که در جلیل به شما چه گفت؟ «گفت باید به دست مردم شریک تسلیم و کشته شود و روز سوم قیام کند» (لوقا، ۲۴: ۱۱-۱۲) در این واقعه، که با همه جزئیات، در هر چهار انجیل آمده

است، به خوبی توضیح داده شده که جسم و بدن عیسی در قبر قرار می‌گیرد و پس از سه روز، چنانچه خود قبلاً پیشگویی کرده بود، آن جسم دوباره زنده می‌شود و مسیح از قبر و مدفن دنیایی قیام می‌کند و حیات مجدد او شروع می‌شود. این اولین مرحله از رستاخیز عیسی است که مقدمه حوادث و رستاخیز آخرالزمان است. رستاخیز و حیات دوباره‌ی عیسی مسیح با تمام شواهد و نشانه‌های قوی‌ای که برای آن در انجیل چهارگانه ذکر شده، یک نمونه از رستاخیز و از نو زنده شدن مردگان است، که قبل از برپا شدن روز داوری، در منظر شاهدان بسیار رخ می‌دهد. اما نمونه‌ی دیگری از رستاخیز قبل از روز قیامت و معاد همگانی هم در آیین مسیحیت وجود دارد که مثل اولی، بستگی تام و تمام به شخص عیسی مسیح دارد و آن معجزه‌ی حضرت، یعنی زنده کردن مردگان است. نمونه‌های متعددی در انجیل‌های چهارگانه آمده است که مطابق آنها، حضرت در حضور جمع به زنده کردن شخصی که همه به مردنش یقین داشتند پرداخته، آن شخص مجدداً زنده شده و درست مثل قبل، بی هیچ تفاوتی به زندگی خود ادامه داده است. در انجیل مرقس آمده است که زنی نزد عیسی علیه‌السلام رفته، از ایشان می‌خواهد که دست خود را بر دختر کوچکش، که در حال مرگ است، بگذارد تا شفا یابد، اما قبل از این‌که حضرت به دختر برسد خبر می‌آورند که او فوت کرده، لزومی ندارد که مزاحم عیسی علیه‌السلام بشوند. اما عیسی علیه‌السلام به همراه پطرس، یعقوب و یوحنا به خانه‌ی دخترک رفته، به جمعی که به خاطر مرگ او گریان بودند گفت: چرا گریه می‌کنید؟ دختر نمرده، بلکه خوابیده است (مرقس، ۵: ۲۱-۴۳؛ لوقا، ۹: ۴۰-۵۶).

بنابراین از منظر مسیحیت، عیسی نه تنها خود رستاخیز نموده بلکه در دوران حیات خود نیز این موضوع را به گونه‌های مختلف چون زنده نمودن مردگان انجام داده و همه مؤمنان به عیسی به آن باور دارند. همین موضوع سبب شده در مسیحیت، اعتقاد به برپا شدن رستاخیز کل و زنده شدن دوباره‌ی مردگان و حیات مجدد آنها امری قطعی باشد. مطابق عهد جدید، پیش از رستاخیز کل، مسیح رجعت خواهد کرد. حال باید دید از دیدگاه عهد جدید رجعت عیسی چگونه اتفاق می‌افتد.

رجعت در عهد جدید

پس از رستاخیز عیسی مسأله مهم در کتاب مقدس، رجعت و بازگشت دوباره عیسی است که با موضوع نجات بشریت ارتباط وثیق دارد. موضوع رجعت بیش از هر موضوعی امید را در

مؤمنان به مسیح زنده نگاه داشته است. رجعت مسیح در عهد جدید بیش از سیصد بار ذکر شده است و چندین باب کامل به این موضوع اختصاص دارد. برخی از رساله‌های عهد جدید نیز به این امور مرتبط است. بنابراین می‌توان گفت آموزه رجعت از مهمترین آموزه‌های مسیحیت به شمار می‌رود. هنری تیسین در کتاب الهیات مسیحی می‌نویسد: «درک صحیح رجعت مسیح کلید کتاب مقدس می‌باشد، بدون درک صحیح رجعت مسیح نخواهیم توانست بسیاری از تعالیم و آیین‌های مقدس و وعده‌ها و نمونه‌های کتاب مقدس را درک کنیم مثلاً این که مسیح هم پیامبر، هم کاهن و هم پادشاه است بدون درک رجعت قابل فهم نیست» (هنری تیسین، بی تا، ص ۳۲۷-۳۲۸). رجعت عیسی مسیح با هدف او که نجات بنی اسرائیل بود پیوندی عمیق دارد. بر این اساس، بخشی از آرمان مسیحایی در زمان عیسی تحقق یافت؛ ولی تحقق کامل آن در آخرالزمان خواهد بود. جامعه مسیحی در آغاز باور داشت که حضرت عیسی به زودی با شکوه تمام باز می‌گردد و به این دلیل، بی‌صبرانه منتظر روز پایانی بود؛ زیرا از آن حضرت نقل می‌شد که درباره خود گفته است: «پسر انسان خواهد آمد، در جلال پدر خویش به اتفاق ملائکه خود، و در آن وقت هرکس را موافق اعمالش جزا خواهد داد. هر آینه به شما می‌گویم که بعضی در این جا حاضرند که تا پسر انسان را نبینند که در ملکوت خود می‌آید، ذائقه موت را نخواهند چشید» (متی، ۲۷:۱۶).

چنان که بیان شد در عهد جدید رستاخیزهای متعددی رخ می‌دهد که در آخرین مرحله رستاخیز، عیسی مسیح به دنیا رجعت می‌نماید. در عهد جدید رجعت عیسی غیر منتظره و زمان آن قابل پیش بینی نیست. در انجیل متی از زبان عیسی این گونه بیان شده است: «شما نمی‌توانید زمان و موقع آمدن مرا بدانید؛ زیرا این فقط در ید قدرت خداست، هیچ بشری از آن لحظه (زمان ظهور) آگاهی ندارد حتی فرشتگان؛ تنها خدا آگاهست» (انجیل متی، ۲۴:۳۶). یا آن که در انجیل لوقا به نقل از مسیح چنین آمده است: «همیشه آماده باشید؛ زیرا من زمانی می‌آیم که شما گمان نمی‌برید» (لوقا، ۱۲:۳۵). با توجه به ناگهانی بودن آن تأکید بر روشن نگه داشتن چراغ انتظار در لابه لای عهد جدید به چشم می‌خورد: «کمرهای خود را بسته و چراغ‌های خود را افروخته بدارید باید مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می‌کشند که چه وقت از عروسی مراجعت کند تا هر وقت آید و در را بکوبد بی‌درنگ در را برای او باز کنند. خوشا به حال آن غلامانی که آقای ایشان چون آید ایشان را بیدار یابد. پس شما نیز مستعد باشید؛ زیرا در ساعاتی که شما گمان نمی‌برید پسر انسان می‌آید» (لوقا، ۱۲:۳۵-۳۶). رجعت عیسی به منظور نجات بخشی در چند مرحله اتفاق می‌افتد. در مرحله اول در یک چشم برهم‌زدن به

صورت ناگهانی و بدون آگاهی قلبی عیسی مسیح آن‌هایی را که آماده بازگشت او هستند، می‌رباید و به آسمان می‌برد. پولس رسول می‌گوید: «همانا به شما سری می‌گویم که همه نخواهیم خوابید لیکن همه متبدل خواهیم شد در لحظه و طرفه‌العینی به جهت نواختن صور اخیر؛ زیرا کرنا صدا خواهد داد و مردگان بی‌فساد برخوانند خاست و ما مقبول خواهیم شد» (اول قرنتیان، ۱۵: ۵۱-۵۲). «اما وطن ما در آسمان است که از آن‌جا نجات دهنده یعنی عیسی مسیح خداوند را انتظار می‌کشیم که شکل جسم ذلیل ما را تبدیل خواهد نمود تا به صورت جسم مجید او مصور شود» (فیلیپیان، ۳: ۲۰-۲۱). هدف از این ملاقات در آسمان دادرسی مؤمنان و پاداش به آنان و حساب پس دادن در استفاده از استعدادها و اموال و فرصت‌هایی است که به آن‌ها داده شده است (لوقا، ۱۹: ۱۱-۲۷؛ دوم تسالونیکیان، ۲: ۶-۸). پس از مرحله اول ظهور عیسی و پیش از مرحله دوم آن، دوران مصیبت بسیار شدیدی پیش‌گویی شده است. در این دوره که بنا بر برخی اشاره‌ها هفت سال طول خواهد کشید (دانیال، ۹: ۲۳-۲۷). چنان‌که زمان سخت و تنگ خواهد شد که از هنگام پیدایش امت‌ها تا بدین روز همانندی نداشته است (دانیال، ۱۲: ۰۱). بنا بر آموزه‌های کتاب مقدس هنگامی که سال‌های مصیبت بی‌سابقه به پایان خود نزدیک شود، روح‌هایی از دهان اژدها و از دهان وحش، و از دهان نبی کاذب بیرون می‌آیند و بر پادشاهان ربع مسکون زمین خروج می‌کنند تا ایشان را برای جنگ عظیم در «هرمجدون» فراهم آورند (مکاشفه یوحنا، ۱۶: ۱۳-۱۷). آنان جمع می‌شوند تا اورشلیم را تصرف کنند و یهودیان و فلسطین را به اسارت درآورند (زکریا، ۱۲: ۱، ۱۳: ۱ و ۱۴: ۰۲). ولی وقتی به پیروزی نزدیک شده‌اند، مسیح با لشکریان خود از آسمان نزول خواهد کرد و در جنگ نهایی پس از غلبه بر آنان، پیشوایانشان گرفتار، و به دریاچه آتش افکنده خواهند شد (مکاشفه، ۹: ۱-۱۰ و ۱۹: ۱۹؛ مزامیر ۲: ۰۳). سپاهیان آنان نیز با شمشیری که از دهان مسیح خارج می‌شود، کشته خواهند شد و راه برای استقرار حکومت مسیح هموار خواهد گردید (دوم تسالونیکیان، ۱: ۱-۱۲؛ مکاشفه یوحنا، ۱۹: ۱۵). این دوره هزار سال طول خواهد کشید و مسیح فرمانروای جهان پرستش خواهد شد و عدل و انصاف کامل در جهان برپا خواهد گشت (مزامیر، ۷۲-۶-۱۱). شیطان و روح‌های شریر بسته می‌شوند و به مدت هزار سال در هاویه افکنده خواهند شد (مکاشفه، ۲۰: ۱-۳).

البته در منابع کنونی آیین مسیح، رجعت به معنای بازگشت نیکوکاران و مؤمنان برای درک زمان سلطنت مسیح است و از آن به قیامت اول تعبیر شده است. در پیشگویی‌های مسیحیان رستاخیز مردگان بحثی است که با مسأله بازگشت مسیح از آسمان و سلطنت هزار ساله او مرتبط

است. بر اساس منابع مسیحیان مسیح دو مرحله باز خواهد گشت. سلطنت هزار ساله در دنیا و داوری نهایی در قیامت همچنین رستاخیز مردگان در قیامت نیز در دو مرحله قیامت اول و قیامت دوم (قیامت نهایی) خواهد بود.

ملکوت الله در عهد جدید

در عهد جدید بشارت به وقوع ملکوت که ریشه در آموزه‌های یهودیت دارد، مهمترین اصل تعالیم حضرت عیسی علیه السلام و مرکز رسالت او قرار گرفته است؛ زیرا تحقق نجات و رستگاری تنها در ملکوت خدا واقع می‌شود. ملکوت که در عهد جدید، بیشتر با زبان رمز و تمثیل و نماد بیان شده از الوهیت عیسی آغاز و با تکامل انسان‌ها، کلیسا و ولایت حواریون، رجعت ثانی، رستاخیز، قیام مردگان، و داوری نهایی مرتبط است. در بیان ملکوت حضرت عیسی اولین چیزی که از مردم می‌خواهد این است که از گناهان گذشته توبه و به سوی خدا بازگردند، «از گناهان خود توبه کنید و نزد خدا بازگشت کنید، زیرا ملکوت خدا نزدیک شده است» (متی، ۴: ۱۷). پس اولین وظیفه‌ای که آموزه ملکوت برای مردم تعیین می‌کند این است که از گناه دست بردارند. ملکوتی که عیسی، پیروانش را به آن دعوت می‌کند گرچه در سیاق و بافت‌های گوناگونی مطرح شده، اما در هیچ یک از آن معانی انسان گناهکار جایی ندارد. معنا و مفهوم ملکوت مسیح گاه متعلق به عالم غیب است و گاه درون همین جهان شکل خواهد گرفت.

اناجیل ملکوت خدا یا ملکوت آسمان‌ها را امری روحانی می‌دانند. عیسی نیز بر روحانی بودن ملکوت تأکید بسیار دارد؛ لذا از مردم می‌خواهد که متحول شوند، زیرا با تحول انسان‌ها این مرحله به وجود می‌آید (۱. هیوم، ۱۳۸۵، ۳۸۸). عیسی علیه السلام می‌فرماید: «ساعت مقرر فرا رسیده است. ملکوت خدا نزدیک است. متحول شوید و به این بشارت ایمان آورید» (مرقس، ۱: ۱۴). در این گفته دو نکته بسیار اساسی نهفته است: اولاً که انجیل یا همان مژده اصلی و بنیادی عیسی که مسیحیت بر آن بنا شده است، ظهور ملکوت خدا یا ملکوت آسمان‌هاست. ثانیاً برای شرکت در ملکوت می‌بایست متحول شد (آشتیانی، ۱۳۶۸، ۲۹۳).

عیسی این تحول را برای ورود به ملکوت خدا با زبانی تمثیلی این‌گونه بیان می‌فرماید: «ملکوت خداوند مانند گنجی است که مردی در یک مزرعه پیدا کرد و دوباره آن را زیر خاک پنهان نمود و از ذوق آن رفت و هر آن‌چه داشت فروخت تا پول کافی به دست آورد و آن مزرعه را بخرد و صاحب آن گنج شود» (متی، ۱۳: ۴۴). و می‌فرماید: «ملکوت خداوند را می‌توان بگونه‌ای دیگر توصیف کرد. یک تاجر مروارید، در جستجوی مرواریدهای مرغوب بود سرانجام

وقتی به مروارید با ارزشی دست یافت، رفت و هر چه داشت فروخت تا آن را بخرد» (متی، ۱۳: ۴۵-۴۶).

به هر حال ملکوت به گفته اناجیل نه تنها روحانی است؛ بلکه يك حقیقت پنهان می باشد و فقط مسیح است که توانسته، آن را آشکار نماید و فقط متواضعان و کسانی که همچون کودکان ساده دل بودند، آن را می فهمیدند (متی، ۱۱: ۲۵) و حکما و دانشمندان دین و فلاسفه که درباره مسایل به بحث می پردازند چه بسا آن را نمی فهمند (مرقس ۴: ۱۱، اول قرن تیان ۱: ۲۰). از سویی ملکوت خدا در اندیشه و تعالیم عیسی از دو بعد حال و آینده برخوردار است. از یک سو عیسی بر این باور بود که ملکوت خدا از طریق شخص او و خدماتش آغاز شده است. معجزات مسیح دلالت بر قیام ملکوت در وجود او می کند (پرچم، ۱۳۸۹، شماره اول، ۳۴)، ملکوت از بزرگترین معجزات مسیح است (لوقا ۱۱: ۳۲-۲۹)، که در وجود مسیح آشکار شده و وظیفه يك شخص مسیحی است که بدان ایمان آورد و هدایت شود (مرقس ۱: ۱۵). و از سوی دیگر عیسی، در انتظار به اوج رسیدن و تحقق کامل این ملکوت در آینده بود. بنابراین مطالعه عهد جدید این نکته را روشن می نماید، ملکوتی که مسیح مبلغ آن است از دوره های پیاپی تشکیل شده است. عیسی برای بیان این دوره های پیاپی از زبان تمثیلی بهره می گیرد. ضرب المثل های عیسی در اناجیل، داستان هایی هستند که اتفاقات روزمره را با یک جنبه حیات مذهبی به ویژه حیات در ملکوت مقایسه می کنند (وان وورست، ۱۳۸۴، ۸۵). زبان تمثیلی عیسی برای بیان دوره های پیاپی ملکوت بیش از همه به رشد ملکوت در گذر زمان اشاره دارد. نقطه آغاز ملکوت از یوحنا معمدان است (متی، ۹: ۳۷-۳۹؛ یوحنا، ۴: ۳۵)، زمان به یک معنا کامل گردیده و ملکوت اکنون برقرار است؛ وی در لوقا و متی به شاگردان خود می گوید: «خوشا به حال چشمانی که آنچه شما می بینید، می بینند. زیرا به شما می گویم که بسیاری از انبیا آرزو داشتند آنچه شما می بینید، ببینند و ندیدند، و آنچه شما می شنوید، بشنوند و نشنیدند» (لوقا، ۱۰: ۲۳؛ متی، ۱۳: ۱۶-۱۷). در مرقس و لوقا آنگاه که از عیسی می پرسند چرا شاگردانش روزه نمی گیرند؟ او پاسخ می دهد: تا زمانی که داماد با آن هاست، روزه گرفتن درست نیست (مرقس، ۲: ۱۸-۲۲؛ لوقا، ۵: ۳۳-۳۹). اینجا عیسی تشبیهات شناخته شده ای را در توصیف خدمت خود به کار می برد. در نوشته های دینی یهود، ملکوت و پادشاهی خدا به یک جشن عروسی میان خدا و اسرائیل تشبیه شده بود. عیسی با بکار بردن تشبیه داماد برای خود، ادعا می کند که این جشن عروسی هم اکنون در خدمت او برپا شده است.

اما این ملکوت باید رشد کرده تا بعد آینده آن هم محقق شود. رشد ملکوت به بذری که در

زمین کاشته می شود (متی: ۱۳-۲۹ و ۱۸-۲۳) و یا به دانه گندم (مرقس، ۴: ۲۶-۲۹) یا به خمیر مایه ای که درون خمیر گذاشته می شود (متی، ۱۳: ۳۳) تشبیه شده است.

مثال های خمیر مایه، گندم، زراعت نیکو و صید همگی به آغاز ناچیز ملکوت و رشد پیوسته آن تا تحقق کامل آن در آینده اشاره دارند. در مسیر رشد، ملکوت چون دیگر پدیده های جهان با موانع و مشکلاتی روبه روست؛ گروهی می خواهند از رشد و انتشاری که وعده داده شده ممانعت کنند؛ لذا ملکوت پیوسته در گرو جهادی سخت است. متی این واقعه را این گونه بیان می کند: «از وقتی که عیسی به موعظه کردن و غسل تعمید دادن شروع کرده تا به حال، مردم با ملکوت خداوندی مخالفت می کنند و می خواهند به زور بازوی خود آن را برقرار نمایند» (متی، ۱۱: ۱۲). عیسی خطاب به این افراد می گوید: «وای به حال شما ای علمای دینی و فریسیان! چقدر ریاکارید! نه می گذارید دیگران به ملکوت خداوند وارد شوند و نه خود وارد می شوید» (متی، ۲۳: ۱۳-۱۴).

آنچه بیان شد نشان می دهد که برخی از گفته های عیسی دلالت دارد که ملکوت هم اکنون برقرار است و در حال رشد است. اما شماری از گفته های عیسی حاکی از آن است که وی در انتظار فرا رسیدن ملکوت خدا در آینده بود. به علاوه در بسیاری از این گفته ها، آینده ای که در آن عیسی انتظار برقراری ملکوت خدا را می کشد، آینده ای نزدیک است.

مطابق گزارشات کتاب مقدس، تکامل نهایی ملکوت در آینده، با رجعت مسیح به وقوع می پیوندد. اما قبل از رجعت، چنان که بیان شد، می بایست چندین واقعه روی دهد. پیش از بازگشت مسیح باید خبر خوش ملکوت به تمامی امت ها موعظه گردد (متی، ۲۴: ۱۴؛ مرقس، ۱۳: ۱۰؛ رومیان، ۱۱: ۲۵). از دیگر وقایع قبل از رجعت عیسی، ایمان آوردن کامل قوم اسرائیل (قرنتیان، ۳: ۵) و ارتداد و مصیبت بزرگ (متی، ۲۴: ۱۲) و ظهور ضد مسیح یا دجال (اول یوحنا، ۴: ۳)، و آیات و عجایبی چون جنگ ها و قحطی ها و زلزله ها در نقاط مختلف (متی، ۲۴: ۲۹؛ لوقا، ۲۱، ۲۵-۲۶) می باشد. پس از این وقایع با بازگشت مسیح، ملکوت به طور کامل برقرار می شود. بنابراین در تعالیم عیسی و اناجیل برقراری کامل ملکوت خدا انطباق با روز داوری و حسابرسی دارد و این همان اصلی است که عیسی تذکر می داد. این روز همان یوم القیامه یا روز رستاخیز مردگان است که همه اموات از قبور برخاسته و برای حضور در دادگاه الهی آماده می شوند. اناجیل روز داوری را این گونه به تصویر می کشند: «وقتی من که مسیحم باشکوه و جلال همراه تمام فرشتگانم بیایم، آن وقت روی تخت باشکوه سلطنتیم می نشینم و تمام ملت ها روی زمین جلو من می ایستند و من مردم را از هم جدا می کنم؛ همان طور که یک

چوپان، گوسفندها را از بزها جدا می‌کند» (متی، ۲۵: ۳۱-۳۲).

پس با در نظر گرفتن این آثار و علامات و شرایطی که برای ظهور ملکوت خدا در نظر گرفته می‌شود، باید وقوع ملکوت خدا در آینده را واقعه‌ای به معنای معاد دانست. بنابراین یکی از معانی ملکوت در اناجیل معاد و زندگی اخروی است. زمان آغاز معاد کاملاً نامعلوم است و هیچ‌کس جز خداوند از آن باخبر نیست. حادثه‌ای است که علم آن تنها مختص خداوند متعال است (مرقس، ۱۳: ۳۲-۳۶). با این وصف تفسیر کنونی کلیسا که معتقد است این ملکوت در ضمیر و باطن مسیحیان برقرار می‌شود را باید از بعد ملکوت کنونی دانست و الا اگر این تفسیر از ملکوت آینده مد نظر کلیسا باشد، با معتقدات مسیحیان اولیه و حتی کائنان مسیحیت و گزارشات و بیانات رهبران فکری دین مسیح مطابقت نمی‌نماید.

برخی از متألهان مسیحیت بر این باورند که ملکوت آینده اساساً همانند ملکوت زمان حال خواهد بود، یعنی استقرار حاکمیت خدا در قلب انسان‌ها و پذیرفتن آن (Berkhof, 1938, 144). البته این نظر با گزارشاتی که از قیام مردگان و داوری وجود دارد، سازش ندارد؛ زیرا ملکوت در اناجیل دارای بعد کنونی و آینده است و در بعد آینده آن صریحاً ذکر شده که ملکوت آسمان پس از داوری افراد بشر برای نیکان برپا خواهد شد که همان حیات جاودانی است. و برعکس بدکاران که خلاف دستورهای انسانی و اخلاقی رفتار کرده‌اند، به کیفر ابدی دچار خواهند شد (متی، ۲۵: ۳۱).

اما مفهوم دیگری از مفهوم ملکوت می‌توان برداشت نمود. پیروان مکتب انجیل عده‌ای که از دسته آزاد اندیشان مسیحی بودند مقصود از ملکوت خدا را اجتماعی می‌دانستند که در آن همه در برادری و همکاری و عدالت با یکدیگر زیست می‌کنند. این جامعه ایده‌آل، جامعه‌ای است که خود انسان می‌تواند با کمک خدا بنا کند. متفکران انجیل اجتماعی به مسأله صلح و روابط نژادها علاقه مخصوصی نشان می‌دادند (هوردن، ۱۳۶۸، ۷۳-۷۴). این اجتماع دینی، حیات و نیروی خویش را بر انجام کارهای خارق‌العاده از مسیح می‌گیرند؛ زیرا مسیح حواریون را بر اخراج ارواح پلید و شفا دادن هر رنج و مرضی قوت بخشید (متی ۱۰: ۲۰). قدرت اعجاز را او به ایشان بخشید (متی، ۱۰: ۱)، و دستورهای دیگری به ایشان داد (متی، ۱۰: ۸-۴)، اجازه فتوی را به پطرس داد و به او گفت: «من کلیدهای ملکوت خدا را در اختیار تو می‌گذارم تا هر دری را بر روی زمین ببندی، در آسمان بسته شود، و هر دری را بگشایی در آسمان نیز گشوده شود» (متی، ۱۶: ۱۹). این عبارت یعنی بخشیدن ولایت به پطرس.

بنابراین اگر ملکوت را به معنای جامعه آرمانی بدانیم تنها در همین دنیا و با رجعت عیسی

به وقوع می‌پیوندند که این موضوع با آخرالزمان در ارتباط است.

تحلیل ارتباط آموزه‌های رستاخیز، رجعت و ملکوت خدا با آخرالزمان در عهد جدید

هر سه آموزه رستاخیز، رجعت و ملکوت به گونه‌ای با آخرالزمان در ارتباط است. رستاخیز که مهمترین آن رستاخیز خود عیسی مسیح علیه السلام است به خوبی زمینه‌های اعتقاد به آخرالزمان و رجعت عیسی را شکل می‌دهد. عیسی علیه السلام قبل از بیان رجعت خود و مرحله نهایی ملکوت خدا، رستاخیز خود را پیش بینی می‌نماید، پس از این پیش‌گویی عیسی و حادثه رستاخیز که سه روز پس از دفن حضرت رخ می‌دهد باور به انتظار بازگشت و رجعت عیسی در مردم قوت گرفته و رستاخیز اولین کلید اطمینان به رجعت و امید و انتظار است. پس از این واقعه جامعه مسیحیت در انتظار به سر می‌برد تا زمان رجعت فرا رسد. آموزه رجعت اصل رسیدن به انتظاری است که سال‌ها مسیحیت امید به آن داشته است. رجعت واقعه‌ای است که انسان‌های منتظر با وقوع آن به انتظار خود می‌رسند اما این انتظار و هدف از بازگشت عیسی به منظور برقراری کامل ملکوت خدا است. بنابراین آخرالزمان در عهد جدید که ملکوت خدا برقرار می‌گردد جامعه آرمانی همراه با صلح و صفا و دوستی برقرار می‌گردد اما زمینه‌های این ملکوت را رجعت و رستاخیز شکل می‌دهند بدون واقعه رستاخیز و رجعت برقراری ملکوت خدا امری غیرممکن است. البته همه انسان‌ها رستاخیز و رجعت را می‌فهمند؛ اما حقیقت ملکوت خدا را تنها کسانی درک می‌کنند که نجات یابند. حقیقت نجات به آن وضعیتی اطلاق می‌شود که انسان از مرگ روحانی و ابدی رهایی یابد و به فیض تجدید حیات، «تولد دوباره» نائل شود. تجدید حیات، تغییری است که خداوند در نفس و قلب انسان به وجود می‌آورد؛ او قلب انسان را از مرگ روحانی به حیات منتقل می‌کند به گونه‌ای که نفس انسان به قداست متمایل می‌شود و حیات الهی در او متبلور می‌گردد (الامیرکانی، ۱۸۹۰م، ج ۲، ص ۳۳) روح القدس حیات نویی در قلب می‌دمد (یوحنا، ۳: ۸ و ۵؛ اول یوحنا، ۵: ۱۱-۱۲). به او حیات، طبیعت، شخصیت و خلقت تازه ای می‌بخشد و در نتیجه شخص عضوی جدید از اعضای خانواده خدا می‌شود (خاچیکی ۱۹۸۲م: ۹۷) عیسی به نیکودیموس گفت: «آمین آمین به تو می‌گویم، اگر کسی از سر نو مولود نشود، ملکوت خدا را نمی‌تواند دید» (یوحنا، ۱: ۱۲-۱۳) بنابراین، در وضعیت نجات انسان از نو متولد می‌شود و آن‌چه در رستاخیز، رجعت و ملکوت مهم است وجود شخص عیسی مسیح در همه دوره‌ها است. مسأله دیگر هماهنگی پیشگویی‌ها و بشارت‌هایی است که عیسی مسیح راجع به هر سه آموزه داشتند و در این بشارت‌ها همه جا بر

ناگهانی بودن واقعه رجعت و رستاخیز اشاره داشتند. بنابراین چه از هر سه واقعه بیان شد این سه آموزه ارتباط وثیق با عیسی مسیح دارند، که پس از رخ دادن واقعه رستاخیز و رجعت برای برقراری ملکوت خدا به نحو کامل که هماهنگ با جامعه آرمانی است تلاش همه مؤمنان به مسیح را می‌طلبد؛ زیرا در ملکوتی که قرار است در آخرالزمان به رشد نهایی خود برسد، گنهکاران جایگاهی ندارند.

البته برخی معتقدند بازگشت و رجعت دوباره مسیح همزمان با پایان یافتن دنیا، قیامت عمومی و از بین رفتن این زمین و پیدایش زمین جدید خواهد بود (الامریکانی، ۱۸۹۰ م، ج ۲، ص ۵۰۸). بنابراین با توجه به برخی از اناجیل و تفاسیری که از سخنان عیسی شده است بازگشت عیسی در زمان برپایی قیامت و رستاخیز خلاق خواهد بود که اعمال آخرتی است نه دنیوی. اما آن چه در پژوهش حاضر از بحث رجعت عیسی مطرح می‌گردد مطالبی است که دلالت دارد رجعت عیسی سلطنت و بخشی از اعمال آخرالزمانی او مربوط به همین دنیاست. چنان که در کتاب «the oxford dictionary of the Christian church» نیز واژه «chiliasm» به عنوان نام دیگر «millenarianism» به صورت بازگشت مسیح به زمین و سلطنت هزار ساله پیش از پایان دنیا معنا شده است.

کارکرد آموزه‌های رستاخیز رجعت و ملکوت در ارتباط با آخرالزمان

اولین و اساسی‌ترین کارکردی که اعتقاد به آموزه‌های رستاخیز، رجعت و ملکوت دارد، حفظ کرامت انسانی در جامعه و اجتماع مؤمنان به مسیح است. انسان معتقد به این آموزه‌ها، باور دارد که انسان‌ها صاحب کرامتند و همین اعتقاد به کرامت انسان سنگ بنای حقوق انسان را شکل می‌دهد. حق‌های بشر صرفاً بر پایه کرامت انسانی توجیه پذیر است؛ و بر پایه همین کرامت انسانی است که مصادیق حق به رسمیت شناخته می‌شود. از سویی در ملکوتی که برقراری کامل آن را مسیح در آخرالزمان وعده می‌دهد؛ امتیازات قومی، قبیله‌ای و اجتماعی هیچ‌گونه ملاک برتری و فضیلت محسوب نمی‌گردد. پولس خطاب به مؤمنان مسیحی می‌گوید: «اکنون که همراه مسیح از نو زنده شده‌اید، به برکات و شادیهای آسمان چشم بدوزید، جایی که مسیح در کنار خدا، بر تخت عزت و قدرت نشسته است. همواره به آنچه در آسمان است بیندیشید، و برای امور این دنیای زودگذر غصه نخورید. به این دنیای فانی همان قدر دل بیندید که يك شخص مرده، دل می‌بندد؛ زیرا زندگی واقعی شما در آسمان است. همراه مسیح در حضور خدا. وقتی مسیح که زندگی واقعی ماست بازگردد، شما نیز با او خواهید

درخشید و در جلال و شکوه او شریک خواهید شد. پس به گناهان این دنیا نزدیک نشوید، هوسهای ناپاکی را که در وجودتان کمین می‌کنند، نابود سازید، هرگز خود را با گناهی چون بی‌عفتی، ناپاکی، شهوترانی و هوس‌های ننگین دیگر آلوده نکنید. به چیزهای خوش ظاهر این دنیا نیز طمع نورزید؛ چون طمع نوعی بت پرستی است. آنانی که مرتکب چنین اعمالی می‌شوند یقیناً گرفتار خشم و غضب خدا خواهند شد. شما نیز زمانی که هنوز به این دنیای گناه آلود تعلق داشتید، اسیر همین عادت‌های شرم‌آور بودید. اما اکنون وقت آن است که خشم و کینه و فحش و سخنان زشت را همچون جامه‌ای پوسیده از تن درآورید و دور بیندازید. به یکدیگر دروغ نگوئید، زیرا آن طبیعت کهنه و فاسد شما که دروغ می‌گفت دیگر مرده و از بین رفته است و اکنون زندگی کاملاً تازه‌ای را در پیش گرفته‌اید که طی آن در شناخت راستی ترقی می‌کنید و می‌کوشید هر روز بیشتر شبیه مسیح، خالق این زندگی تازه شوید. در این زندگی تازه، ملیت، نژاد، سواد و مقام اجتماعی شخص اهمیت و ارزشی ندارد؛ چون همه مردم می‌توانند به یک اندازه به حضور مسیح بیایند. آنچه به واقع، اهمیت و ارزش دارد، حضور مسیح در زندگی شخص است» (کولسیان، ۳: ۱-۱۱). بنابراین وجود ایمان به مسیح تفاوت‌ها را از بین می‌برد و این زمینه عدالت و رعایت حقوق طبیعی انسان‌ها را فراهم می‌آورد.

بنابراین انسان معتقد به رجعت و ملکوت الله حقوق طبیعی انسان‌ها را محترم شمرده و رذایل اخلاقی را که سبب از بین بردن حقوق دیگران می‌شود، از خود دور می‌نماید و آنچه محور تعامل انسان‌های معتقد به این آموزه‌ها قرار می‌گیرد خود شخصیت عیسی مسیح است که وجود او چنان ارزش به انسان‌های مؤمن می‌بخشد که همگان با هر ملیت، نژاد و مقام اجتماعی یکسان به شمار می‌روند. به گونه‌ای که افتادگی، فروتنی، پرهیز از زور و ستم، رحم و شفقت، پاکدلی، صلح‌جویی، عدالت‌خواهی، حق‌طلبی، مهمترین و مشخص‌ترین خصیصه شهروند ملکوت خدا می‌شود.

از سویی آموزه‌های رستاخیز، رجعت و ملکوت در میان مؤمنان به مسیح شادی‌آفرین است. از دیدگاه عهد جدید، خدمات مسیح بر واقعیت رستاخیز استوار است. خدماتی چون فرستادن روح القدس، بخشیدن حیات جاودانی، سرپرستی کلیسا، شفاعت، بخشیدن عطایا و برکات فراوان دیگر از رستاخیز عیسی ناشی شده است که همه شادی‌آفرین است. رستاخیز مسیح، موجب تقویت روحیه شاگردان مسیح بوده به گونه‌ای که آنان خوشحال و جسور گردیدند (اعمال رسولان، ۲: ۳۲-۳۶). رجعت عیسی که همراه با برکت زمین است خود شادی ویژه‌ای را برایشان به ارمغان می‌آورد: «و ایشان را و اطراف کوه را برکت خواهم ساخت و باران را در

موسم ش خواهیم بارانید و بارش‌ها برکت خواهند بود» (حزقیال، ۳۴: ۲۵-۲۶). دست‌یابی به ملکوت نیز برای مؤمنان به مسیح شادی بخش است؛ زیرا آنان در پرتو رسیدن به ملکوت، به قدرت‌های فوق بشری دست می‌یابند و می‌توانند به همه خواسته‌های خود برسند و این توانایی شگفت‌انگیز، شادی بزرگی را برای آنان به ارمغان می‌آورد، چنان که عیسی می‌گوید: «اما اگر من با قدرت خدا ارواح پلید را از وجود مردم بیرون می‌کنم، این ثابت می‌کند که ملکوت خدا در میان شما آغاز شده است؛ زیرا آنان به وسیله خدا به همه چیز دست می‌یابند در این صورت غم آن‌ها به شادی تبدیل و شادی آن‌ها کامل می‌شود و هیچ‌کس نمی‌تواند آن شادی را از آن‌ها بگیرد» (یوحنا، ۱۴: ۱۳ و ۱۴؛ ۱۶: ۲۰-۲۴). دستیابی به ملکوت شادی ایمان‌آوردگان به مسیح را تکمیل می‌کند؛ زیرا هدف نهایی زندگی در دوران حیات یک مسیحی، رسیدن به ملکوت است.

تقویت روحیه صبر و بردباری از دیگر کارکردهای باور به رستاخیز، رجعت و ملکوت خداست. مسیح به شاگردان خود آموخته که تهیدستی امری نامطلوب نیست، بلکه ملکوت آسمان‌ها برای تهیدستان است و آزار و شکنجه‌های دنیوی آن‌ها را در یقینشان ثابت قدم می‌نماید (مرقس، ۱۰: ۱۵). مسیح به شاگردانش گفت: «خوشا به حال آنان که به سبب نیک‌کردار بودن آزار می‌بینند» (متی ۵: ۱-۱۰). این آموزه رنج‌ها و سختی‌های دنیوی را برای باورمندان به مسیح آسان می‌نماید؛ زیرا آن‌چه مهم است رسیدن به ملکوت خداست و این امر با تهیدستی و آزار دنیوی ممکن می‌گردد.

امید به رجعت عیسی زمینه‌های ثبات قدم در راه ایمان به مسیح و توبه از گناهان را فراهم می‌آورد. هنری تیسین اعتقاد به ظهور مجدد مسیح را سرچشمه بسیاری از باورها و اعمال می‌داند و می‌نویسد: «قبول این عقیده باعث می‌شود که ما خودمان را پاک کنیم (متی ۲۵؛ اول یوحنا ۳: ۳ و ۳) و مواظب و پایدار باشیم (مرقس، ۱۳: ۳۵ و ۳۶، اول یوحنا، ۲: ۲۸). این عقیده لغزش خوردگان را به بازگشت تشویق می‌نماید (رومیان، ۱۱: ۱۱ و ۱۲) و باعث هشدار بی‌دینان می‌گردد (رومیان ۱۱، ۱۱ و ۱۲) و در مشکلات و ناراحتی‌ها باعث پایداری و استقامت می‌شود (دوم تسالونیکیان ۱: ۷-۱۰).

بنابراین چه مطرح شد باور به آموزه‌های رستاخیز، رجعت و ملکوت بیشترین کارکرد را در حوزه فردی دارد اما در حوزه اجتماعی زمینه‌های تحول و تغییر اجتماع را فراهم نمی‌آورد که این موضوع می‌تواند از آسیب‌های اعتقاد به این معارف در فرهنگ مسیحیت باشد.

آسیب شناسی بحث رستاخیز، رجعت و ملکوت در ارتباط با آخرالزمان

تحلیل ارتباط آموزه‌های رستاخیز، رجعت و ملکوت خدا با آخرالزمان نشان می‌دهد کارکرد اساسی این آموزه‌ها در دین مسیحیت انسان‌سازی است؛ اما این انسان‌سازی بیش از آن‌که سبب تغییر و تحول و پدید آمدن جامعه‌ای آرمانی باشد، بر اساس تحمل رنج و درد است. بنابر گفته‌های اناجیل چهارگانه، نجات بخشی عیسی بر پایه تشکیل حکومت یا تر سیاسی اجتماعی بنا نشده؛ بلکه این آموزه‌ها تنها انسان را به تحمل درد و رنج و سختی فرا می‌خوانند. به عبارتی رستاخیز، رجعت و ملکوت خدا در مسیحیت انسان‌سازی فردی را محور قرار داده و کارکرد اجتماعی آن بسیار ضعیف است و انسان‌ها برای رسیدن به نجات همین اندازه که رنج‌ها را تحمل کنند، کافی است و نیازی به تحول اجتماعی ندارد در حالی که اسلام یکی از واجبات خود را امر به معروف و نهی از منکر می‌داند و نجات انسان را تنها فردی ندانسته بلکه اجتماع انسان‌ها اساس و محور قرار دارد: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران: ۱۰۵). از سویی تحمل درد و رنج هر چند در بعد فردی مؤثر بوده و روحیه صبر و بردباری را در انسان تقویت می‌نماید؛ اما از سویی انسان را به خواری و ذلت می‌کشاند. انسانی که معتقد است راه یابی به ملکوت و نجات تنها با تحمل سختی‌ها و رنج‌ها ممکن است در بعد فردی از این حیث که روحیه صبر و بردباری را بالا می‌برد تحسین آفرین است؛ اما در بعد اجتماعی، اجتماع را به افول و عقب ماندگی می‌کشاند و کسی برای تحول جامعه قدم بر نمی‌دارد.

در دین مسیحیت، عیسی در بحث رستاخیز، رجعت و ملکوت خدا محور است و اوست که ارزش می‌بخشد بنابراین کارکرد این آموزه‌ها در مسیحیت تنها مربوط به خود دین مسیحیت و معتقدان به آن است. دینی که چنین اعتقادی را دارد ظرفیت تعامل با سایر انسان‌ها را ندارد و به سمت انحصارگرایی کشیده می‌شود. انحصارگرایان معتقدند: راه نجات و رستگاری در مسیحیت است نه از آن روی که حقیقت ناب تنها در آئین مسیحیت یافت می‌شود بلکه از آن روی که تجلی الهی، منحصرأ در مسیح واقع شده است. در اعتقاد مسیحیان، عیسی مسیح و خداوند یکتا دارای یک ذات هستند و چون راه نجات، در گرو عنایت و لطف الهی است که از طریق تجلی او بر بشر دست یافتنی است و نیز تجلی خداوند شخصی بوده و فقط در مسیح رخ داده است، پس راه نجات منحصرأ در آیین مسیحیت است (الیاده، ۱۳۷۵ش، ج ۱، ص ۳۰۲). آنان در تأیید نظریه انحصار گرایانه خود بر این سخنان که در انجیل یوحنا به مسیح نسبت داده شده است، تأکید می‌ورزند: «عیسی بدو گفت من راه و راستی و حیات هستم، هیچ کس

نزد پدر به جز به وسیله من نمی آید» (یوحنا، ۱۴: ۶) چنین دینی تنها برای مؤمنان به خود می‌تواند ارزش آفرین باشد در حالی که اسلام محور را خدا قرار می‌دهد تا هر کسی با هر اعتقادی بتواند به کسب فضایل بپردازد. قرآن کریم در نحوه تعامل اجتماعی با سایر ادیان به پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ» (آل عمران: ۶۵). و در آیه‌ای دیگر به طور کلی انحصار گرایی ادیان را مردود می‌شمارد و می‌فرماید: «وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَى تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ - بَلَى مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره: ۱۱۱-۱۱۲).

باورمندان به رجعت و رستاخیز بیش از آن‌که به عمل صالح باور داشته باشند به نجات خود بر اساس آموزه تجسد و فدیة که اساس رجعت و رستاخیز است؛ روی آورده و معتقدند خداوند انسان مؤمن به مسیح را در برابر گناهانش بازخواست نمی‌کند: «آمین آمین به شما می‌گویم هر کس کلام مرا بشنود و به فرستنده من ایمان آورد حیات جاودانی دارد و در داوری نمی‌آید» (یوحنا، ۵: ۲۳). این اعتقاد سبب نوعی افول و عقب ماندگی می‌شود؛ زیرا آن‌چه مهم است ایمان است نه عمل. پس جامعه مؤمنان به مسیح بر اساس ایمان به مسیح استوار است نه عمل، همین سبب می‌شود مؤمنان به مسیح به سمت ایمان‌گرایی روی آورند. بر اساس این آموزه‌ها اجر و پاداش از باب عدالت نیست و خداوند با آزادی مطلق خود بشر را شامل لطف و کرمش می‌گرداند و به او هر چه بخواهد عطا می‌کند. این موضوع در حکایت زیر مطرح شده است: «یک روز صاحب باغی زود بیرون رفت تا برای باغ خود چند کارگر بگیرد با کارگرها قرار گذاشت به هر کدامشان مزد یک روز تمام بدهد و بعد همه را به سرکار فرستاد... پس ایشان به صاحب باغ شکایت کردند به این‌ها که فقط یک ساعت کار کرده‌اند به اندازه ما دادید که تمام روز زیر آفتاب داغ جان‌کنندیم، مالک باغ رو به یکی از ایشان کرده گفت: ای رفیق من که به تو ظلمی نکرده‌ام. مگر تو قبول نکردی با مزد یک روز کار کنی؟ پس مزد خود را بگیر و برو. دلم می‌خواهد به همه یک اندازه مزد بدهم. آیا من حق ندارم هر طور که می‌خواهم پولم را خرج کنم؟ آیا این درست است که از سخاوت من دلخور شوی؟ بله، این طور است که اولی‌ها آخر می‌شوند و آخری‌ها اول» (متی، ۲۰: ۱-۱۶). در حالی که منطق اسلام ایمان همراه با عمل صالح است: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئُونَ وَالتَّصَارِي مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (مائده: ۶۹). در مکتب اسلام صرف ایمان

آوردن به پیامبر مستلزم اجر و پاداش نیست بلکه انسان مؤمن به پیامبر باید به تمامی باید و نبایدها عمل نماید تا به اجر و پاداش خود برسد.

نتیجه‌گیری

بنا بر برخی تفاسیر و بیانات اناجیل چهارگانه، آخرالزمان مسیحیت را اعتقاد به آموزه‌های رستاخیز، رجعت و ملکوت شکل می‌دهد. مسیح سه روز پس از مرگ خود به آسمان صعود می‌کند تا زمینه‌های رجعت و ملکوت را فراهم نماید. در رجعت خود به زمین ملکوت الهی را برقرار می‌سازد. ملکوتی که برخی از مفسران اناجیل اعتقاد به اخروی بودن آن دارند در حالی که بسیاری از گزارشات عهد جدید حاکی از زمینی و دنیوی بودن آن است. اعتقاد و باور به رستاخیز عیسی سه روز پس از دفنش و رجعت وی در آخرالزمان و تشکیل ملکوت خدا بر زمین دارای کارکردهایی در جامعه مؤمنان به عیسی است که بیشترین کارکرد آن در حوزه فردی است و برای فرد مؤمن به مسیح، شادی، امید، ثبات قدم و صبر و تحمل را به ارمغان می‌آورد. در حوزه اجتماعی نیز مؤمنان معتقد به این آموزه‌ها همه باورمندان به عیسی را یکسان دانسته و تفاوت نژادی، قومی و قبیله‌ای را سبب برتری نمی‌دانند. اما این اعتقادات از آن جهت که بر محوریت شخص عیسی است آسیب‌هایی چون انحصارگرایی، ایمان‌گرایی و عدم تعامل با سایر ادیان را سبب می‌شود. از سویی توجه بیش از اندازه این آموزه‌ها بر بعد فردی، افراد را از اجتماع غافل می‌نماید. در نتیجه افراد تنها به تحمل سختی‌ها و رشد فضایل اخلاقی در خود بسنده نموده و سعی در تغییر و تحول اجتماع بشری ندارند. و این تغییر و تحول را تنها به انتظار می‌نشینند تا عیسی با رجعت خود و برقراری ملکوت ایجاد نماید.

منابع

- ا. هیوم، رابرت، (۱۳۸۵)، *ادیان زنده جهان*، ترجمه دکتر عبدالرحیم گواهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- الامریکائی، جیمز (۱۸۹۰ م). *نظام التعليم فی علم اللاهوت القويم*. بیروت: مطبعة الامریکان.
- آشتیانی، جلال الدین، (۱۳۶۸)، *تحقیقی در دین مسیح*، تهران: نگارش.
- الیاده، میرچا، (۱۳۷۵)، *دین پژوهی*، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- پرچم، اعظم، (۱۳۸۹)، *بررسی و مطالعه گفتنهای تورات و انجیل و قرآن در معجزه پیامبران*، مجله الهیات تطبیقی، سال اول، شماره اول.
- ترجمه کتاب مقدس شامل عهد قدیم و عهد جدید. (۱۹۹۵ م). انگلستان: انجمن بین المللی کتاب مقدس.
- خاچیکی، سارو، (۱۹۸۲ م) *اصول مسیحیت*، تهران: انتشارات حیات ابدی، چاپ دوم
- عامری، سامی، (۲۰۰۷)، *محمد ﷺ فی الکتب المقدسة - قاهرة: دار الناظفة*.
- محمد یاسین، محمد، (بی تا)، *حقیقه ملکوت الله فی الکتب المقدس*.
- وان وورست، رابرت ای، (۱۳۸۴)، *مسیحیت از لابه لای متون*، ترجمه جواد باغبانی و عباس رسول زاده، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- هنری تیسین، (بی تا)، *الهیات مسیحی*، ترجمه ط. طاووس مسکائیلیان، ص ۳۲۷-۳۲۸، انتشارات حیات ابدی، تهران،
- هوردن، ویلیام، (۱۳۶۸)، *راهنمای الهیات پروتستان*، ترجمه طاطه ووس میکائیلیان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- Berkhof, Louis, *Summary of Christian Doctrine*, Wm.B.Eerdmans Publishing co. 1938.

